

شماره
پنجاه و چهارم

مذاکرات مجلس

جلسه
۸۸

قیمت اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان
خارجیه « دوازده تومان »

قیمت تک شماره

یک قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تاسیس آذر

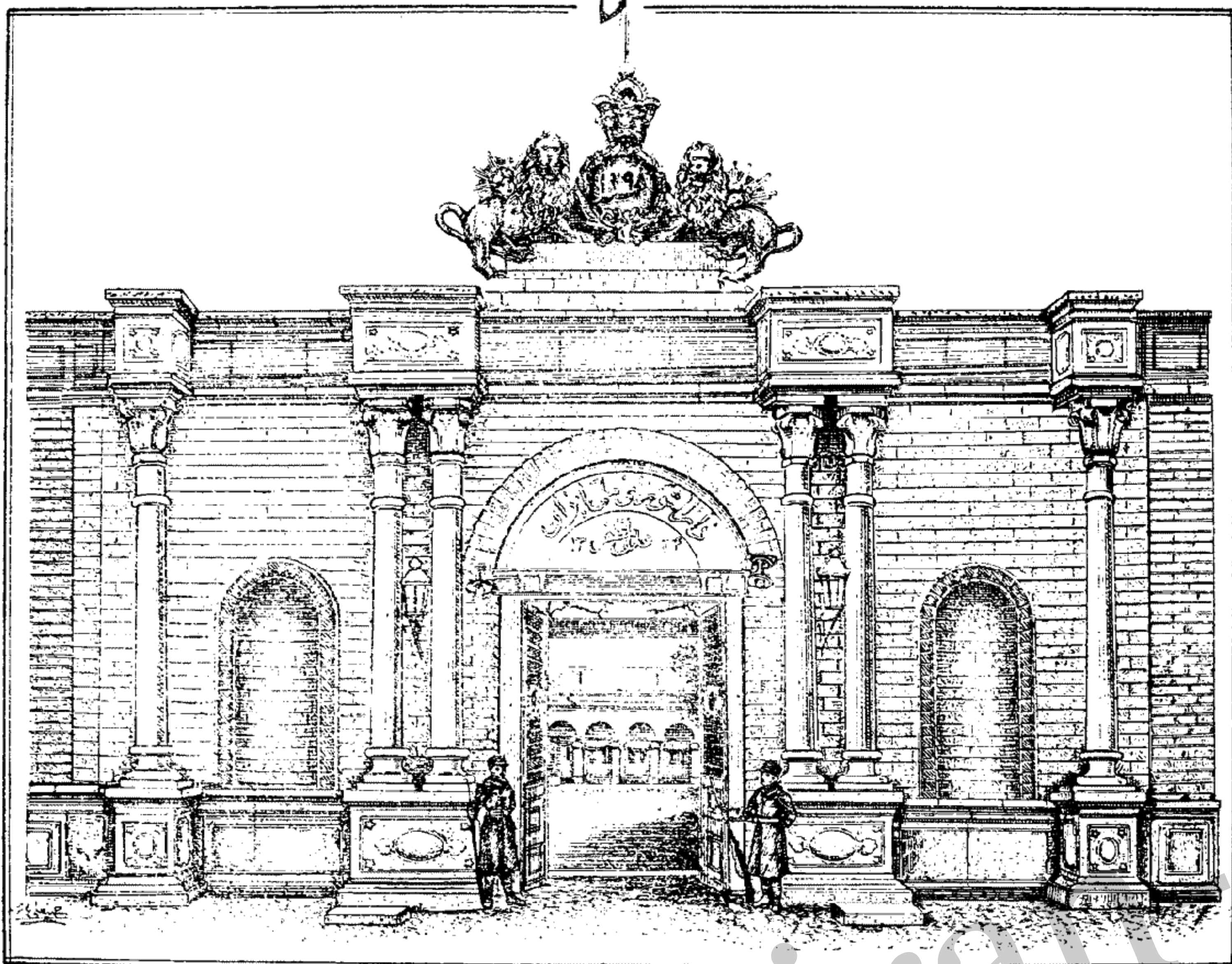
۱۳۰۵

جلسه يك شنبه ۲۷

فروردین ماه ۱۳۰۶

مطابق ۱۴ شوال المکرم

۱۳۴۵



نمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	طرح خبر شعبه ششم راجع به انتخابات سیرجان و نمایندگی آقای کاظمی ورد نمایندگی ایشان	۱۰۴۴	۱۰۶۱

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۴ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۸۸

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای بیرنیا تشکیل گردید)
 (و صورت مجلس روز گذشته را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: موقر - ضیاء - حشمتی - محمدآخوند - پالیزی
 عباس میرزا - نوبخت

غائبین بی اجازه

آقایان: علیخان اعظمی - محمدتقی اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه

آقایان: روحی - مرضی قلیخان بیات - حاجری زاده میرزا ابراهیم خان قورم - بهار

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: دشتی - زعیم

رئیس - آقای زوار

زوار - علاوه بر اینکه اظهارات دیروز بنده تمام نشد و در صورت مجلس هم ذکر نکرده اند معذک چون سوء تفهیمی رخ داده نچهارم که عرض کنم بنده در شخصیات نمیخواستم دخالت کنم و عراض بنده راجع بنوعیات و محض حفظ حیثیات مجلس شورای ملی بود.

رئیس - این فرمایشات راجع بصورت مجلس نبود

آقای آقا سید یعقوب

آقای سید یعقوب - بنده نمیدانم بصورت مجلس آقای رئیس توجه داشتند بانه ؟ بنده کاملاً باین صورت مجلس مخالفم . برای اینکه صورت مجلس امروز را بنده بعینه مثل روزنامه جات دیدم که - سؤال آقایان نمایندگان را خیلی مختصر و از آقایان وزراء را بقدری آب و تاب بهش میدادند که چه عرض کنم . بنده در سهم خودم (حالا دیگران را که سؤال کردند کاری ندارم) این را عقیده ندارم . اصلاً سؤال بنده و آقا میرزا علی راجع بممیزی دو موضوع مختلف بود ولی در صورت مجلس هر دو اینها را یکی کرده اند و بطور مختصر نوشته اند در جواب فلان و آنوقت شروع کرده اند بمداخله و وزیر و بنده مخالفم .

رئیس - صورت مجلس دیگر ابرادی ندارد ؟

زعیم - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید .

زعیم - بنده را در ضمن قرائت صورت مجلس دیر

آمده بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده غیبت خودم را به عرض مقام ریاست رسانده و درخواست اجازه کرده بودم . استدعا میکنم مقرر فرمائید اصلاح شود رئیس - اجازه هائی که خواسته میشود ارسال میشود به کمیسیون اگر کمیسیون تصویب نکند البته غایب بی اجازه میشوند .

رئیس - خبر شعبه ششم راجع بانتخابات سیرجان مطرح است . آقای حائری زاده

حائری زاده - بنده خیلی احتراز داشتم از اینکه در کار هائی که جنبه شخصی ممکن است پیدا کند وارد شوم و همین دلیل اولین دفعه ایست که راجع بانتخاب نماینده بنده پشت این تریبون حاضر شده ام . در این دوره بنده خیلی از انتخابات را عقیده نداشتم ولی به رأی قناعت میکردم و رأی نمیدادم و این اولین دفعه است که خود را حاضر کرده ام و خیلی برای من ناگوار است . اگر چه نتیجه برای عموم دارد این مذاکرات ولی چون انسان مجبور است وارد در شخصیات بشود برای من خیلی ناگوار بوده و هست .

موضوع انتخابات سیرجان و چیزی که من را بیشتر نخریک کرد که برای مذاکره خودم را حاضر کنم این کتابچه بود که نوشته شده بود و در این کتابچه يك حمله شده بود بآن شعبه که در این کار قضاوت می کند و چون بنده یکی از افراد آن شعبه بودم مرا متأثر کرد که در این مملکت علاوه بر اینکه باید مساوات کنیم با آزادی فکر و عقیده و این مملکت احتیاج مفرطی بقاضی دارد و همین سر و صدائی که چندی پیش بود و عدلیه را منحل کردند برای این بود که قضاات ما کاملاً بوظائف خودشان که بیطرفی و بی غرضی است عمل نمی کردند . شعبه يك قضاوتی در این جا کار کرد و اعضاء شعبه طرف حمله شخصی که این کار بضرر او تمام شده است واقع شده است . بنده حالا نچهارم اولاً يك مختصری از تاریخ این مسئله عرض کنم بعد وارد در

موضوع شوم . . .
آقای سید یعقوب - اول مخالفت را بکن .
حائری زاده - اسامی اعضاء شعبه شش را بنده برای یادآوری عرض میکنم : شعبه شش دارای نوزده عضو بوده است :
آقای دکتر رفیع امین - آقای میرزا صادق نوری - آقای افشار - آقای میرزا عبدالله خان وثوق - حائری زاده آقا سید ابراهیم ضیاء - آقای طباطبائی و کیلی - آقای میرزا حسن خان وثوق - آقای سهراب خانب سا کیمیان آقای حاج شیخ عبدالرحمن - آقای محمد آخوند - آقای آقاسید زین العابدین فومنی - آقای شیروانی - آقای بهمداد آقای معظمی - آقای حاج آقا رضا رفیع - آقای دشتی - آقای داور - آقای فرهمند .

این ها اعضاء این شعبه بودند . بنده در جلسات اول و دومش موافقی بر ام پیش آمد که نتوانستم حاضر شوم . فقط سه جلسه بنده حاضر شدم که يك جلسه اکثریت حاصل نشد و در دو جلسه دیگر اکثریت بود و وارد در این موضوع شدیم . در جلسه اولی که بنده حاضر شدم از این نوزده نفر نازده نفرشان حاضر بودند که آقای وثوق الدوله و آقای معتمد السلطنه و دیگران بودند . دوسیه را آقایان اعضاء شعبه کاملاً مطالعه کردند و بنده کاملاً مطالعه نکرده بودم و يك مطالعه مختصری در آنجا کردم . روح شکایت را در این دوسیه ما دو جمله پیدا کردیم . يك شکایت این بود که آراء اقطاع و افشار در آن مدتی که انجمن مرکزی سیرجان تشخیص داده است نتیجه اش نرسیده و اصل نشده . این جمله قدری بر اعضاء انجمن آنجا اشتباه شده است زیرا در شعبه هم هیچ اختلافی بین اعضاء شعبه نبود که این اعتراض وارد نیست . برای اینکه ختم انتخابات بکدفعه این است که آراء که نوی صندوق ریخته شد دیگر انتخابات ختم شده است حالا وصول نتیجه اش اگر يك مدتی طول نکشد نمیشود آن آراء را باطل دانست و بالتبع نتیجه گفت این

انتخابات خاتمه یافته است . بعلاوه در طهران و سایر نقاط هم سابقه داشته است که مدتها تمدید میداده اند و این مطلب بدیهی است که حقوق يك جماعتی را برای يك ضرب الاجل نمیتواند از بین برد و بهتمل کرد در طهران بخوبه نظرم هست که چند مرتبه تمدید داده شد انتخابات طهران تمام میشد آنوقت فلان قریه شکایت میکرد يك هفته هم برای او تمدید داده میشد که حقوق آنها بهتمل نشود . این بود که افراد شعبه هیچکدام این اعتراض را وارد نمیداد یعنی اتفاق آراء تقریباً بین شکایت و این جمله طرف توجه نبود که در اظهارش صحبت بشود .

در جمله ثانی اعتراض شده بود که اختلافی پیدا شده راجع بمقدار تعرفه که در حوزه اقطاع و افشار مصرف شده است و این اختلاف بین نایب الحکومه آنجا و ایالت کرمان بوده است . يك مذاکره فنی بین آنها رد و بدل شده و اسنادی بود که درست ما نتوانستیم حقیقت امر را در آنجا کشف کنیم و برای اختلافی که بین ما مورین دوات بود از نماینده وزارت داخله میرزا احمد خن که مقصدی عمل انتخابات است توضیحاتی خواستیم ایشان هم بی اطلاع بودند بالاخره اتفاق آراء تقریباً در شعبه که بانزده شازده نفر بودند تصمیم گرفته شد که از آنچه که برای کشف قضیه و برای اختلافی که بین والی و حکومت اقطاع و افشار تولید شده بود در فقه تحقیق بشود که آیا عده تعرفه که در حوزه اقطاع و افشار مصرف شده چقدر بوده است و این عده تعرفه مصرف شده یا نشده است این مطلب هم در شعبه اتفاق آراء تصویب شد نتیجه هم معلوم بود که اگر ارتصاق کرد که این تعرفه ها بوده است و مصرف شده است آراء آنجا صحیح است و اگر خلافش را تصدیق کرد باطل است . این يك تصدیق تعلیقی بود تقریباً . بعد از چندی از طرف شعبه خبر شد که حاضر شوید برای رسیدگی باین کار و جواب آقایان آنچه آمده است نظر اصرار میشد که در شعبه حاضر بشوید . این جمله بیشتر

بنده را تحریک کرد که اگر چنانچه بنا باشد در مجلس شورای ملی برای يك مسئله کوچکی ما با آن حق قضائی که بنا و گذار شده است طفره بزنیم و تعالیم در کارهای مهم مملکتی چه باید بکنیم؟ این بود که بنده یکی دوجلسه حاضر شده و در آن یکی دوجلسه آنهایی که بضررشان بود موفق شده بودند و نگذاشته بودند اکثریت پیدا کند ولی در يك جلسه اکثریت شد. حالا بنده عدّه اعضاء شعبه را عرض میکنم. از نوزده نفری که بنده قرائت کردم آقای داور که در آن موقع وزیر عدلیه شده بودند و از عضویت شعبه خارج شده بودند و هیجده نفر از این هیجده نفر آقایان: فرهمند و بهمداد و فومنی و محمد آخوند و آقا سید ابراهیم ضیاء مسافر بودند و از طهران تشریف برده بودند بفارس و گیلان و عقبیات و نقاط دیگر...

امامی - بنده اخطار نظامنامه دارم.

رئیس - بفرمائید.

امامی - بنده تصور میکنم کتابچه که آقای بدر طبع و توزیع کرده اند مطرح نیست الان خبر شعبه ششم مطرح است ولی ایشان دارند در اطراف کتابچه صحبت می کنند. خوبست مخالفت خودشان را به خبر شعبه شش بفرمایند ولی ایشان با خبر شعبه موافقت شایروانی - این اخطار مطابق کدام ماده بود؟

رئیس - آقای حائری زاده کار را مشکل نکنید.

حائری زاده - بنده تا مقدمات امر را صحبت نکنم و آقایان درست اطراف قضیه را ملتفت نشوند نمیتوانم مقصود خود را بعرض آقایان برسانم. بدون جهت بگویم مخالفم که نمیشود...

(مهمه بعضی از نمایندگان - صدای زنگ...)

رئیس - (خطاب بحائری زاده) بفرمائید.

حائری زاده - در نظامنامه راجع به شعب و کمیسیونها يك ماده که معلوم کرده باشد که آیا چند نفر که حاضر

شد اکثریت هست و ممکن است رأی گرفت نیست ولی در مجلس شورای ملی در قانون صراحت دارد که اساس روی عده حاضر در طهران است و از آن رو اکثریت را تعیین میکنند و تشخیص میدهند. مثلاً اگر در طهران صد نفر حاضر هستند از آن عده اکثریت مجلس را تشخیص میدهند و نمیگویند که عده وکلا چون صد و سی و شش نفر است و سی و شش نفرش که هنوز با انتخاب نشده اند با در ولایات هستند و هنوز نیامده اند جزو عده رسمی مجلس شورای ملی محسوب میشوند. این امر در قانون اساسی و در نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی صراحت دارد ولی راجع به کمیسیونها و شعب این قضیه در نظامنامه مسکوت است و هیچ صراحتی در این موضوع ندارد از این جهت ما به سابقه که در کمیسیونها و شعب بود مراجعه کردیم دیدیم از روی عده حاضر در طهران تشخیص اکثریت می شده.

این شعبه هم که دارای نوزده نفر عضو بود يك نفرش وزیر شده بود که جزو اعضاء محسوب نمیشد پنج نفرشان هم که مسافر بودند در طهران نبودند. بقی سیزده نفر از آن سیزده نفر هشت نفرشان حاضر بودند و پنج نفرشان غایب بودند. بن هشت نفر که اکثریت داشتند در این باب يك تصمیمی اتخاذ کردند. از این جهت چون شعبه طرف حمله واقع شده بود و بنده هم یکی از اعضاء آن شعبه بودم لذا ابتدا خواستم دفاع از شعبه کرده باشم...

خطیبی - کسی که بشعبه اعتراض نکرده بود.

حائری زاده - چرا - در کتابچه بشعبه اعتراض کرده بودند...

شایروانی - صحیح است.

حائری زاده - حالا وارد میشویم در اساس انتخابات سیرجان.

در کرمان تقریباً دو پارتنی دخالت داشته است. یکی پارتنی اسفندیاری یکی پارتنی احرار...

حاج میرزا مرتضی - همچو چیزی نیست.

حائری زاده - آن پارتنی اسفندیاری که در طهران نمایندشان آقای حاج میرزا مرتضی هستند که تشریف دارند ولی پارتنی فانوی که احرار باشند نماینده شان در طهران کسی نیست که دفع بکنند...

آقا سید یعقوب - نماینده مجلس است نه نماینده اسفندیاری. حائری زاده - بنده اگر هیچ اطلاعی نداشته باشم لااقل بزودی هستم و همسایه کرمان هستم و اطلاعات من شاید پیش از آقایان باشد. در انتخابات آنجا دو پارتنی کاملاً در محل بوده اند و دوسیه را استدعا میکنم از آقای مخبر اول تا با آخر بخوانند تا آقایان مسبق شوند از قضیه. از تلگرافاتی که رد و بدل میشود بین حکومت اقطاع و افشار و والی کرمان کاملاً قضیه روشن میشود که والی از انتخاب آقای بدر حمایت میکرده است و حکومت اقطاع و افشار در انتخاب آقای کاظمی. از مکاتبات و مراسلات این مأمورین دولت قضیه خوب معلوم میشود. ما هم که اینجا نشسته ایم قضایات بشنیم باید از سابق مطلب و روح مراسلاتی که بهمیدگیر نوشته اند بفهمیم و استنباط کنیم که قضیه چه رنگی داشته است. والی و حاکم سیرجان و انجمن نظارتی که در سیرجان تشکیل شده بود تماماً نشان بطرف آقای بدر بوده و این مطلب ظاهر و روشن است. حاکم اقطاع و افشار بر خلاف طرفدار کاظمی بوده است. این عمل مأمورین دولت در آنجا بوده است عمل محلی های آنجا هم در طهران اثراتش هست. آقایان اسفندیاری و حاج میرزا مرتضی باید موافق بوده اند و آقایان میرزا شهاب و درگاهی موافقت با انتخاب کاظمی و مخالفند با بدر. این جریان عملی بوده است که در کرمان رخ داده است...

حاج شیخ بیات - شما با کی مخالفید؟

حائری زاده - این جریان انتخابات آنجا بود که عرض کردم و بنده با این طرز انتخاب کاملاً مخالف هستم و معتقدم که باید انتخابات شکلی باشد که مأمورین دولت ادا در آن دخالت نکنند و تمایلی نسبت به زید و عمرو

بروز ندهند. من فقط عیبی که در این انتخاب می بینم فقط تمایلی است که والی و حکومت اقطاع و افشار با شخص داشته و حب و بغض هایی نسبت بین دو نفر نشان میداده اند ولی اگر آقایان این عیب را عیب ندانند بنده انتخابات را با کاظمی میدانم.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - نماینده محترم اولاً يك مقدری داخل در شخصیات شدند و بنده نمیخواهم مطابق آنچه که ایشان عمل فرمودند عمل کنم و الا بنده هم کاملاً از انتخابات زرد و عملیات خراب شوکت در موقع انتخابات آنجا مسبق هستم - بنده عرض کرده ام می خواهم مثل ایشان داخل در شخصیات شوم. حضور مبارک آقایان عرض کنم که انتخابات سیرجان کاملاً بطور صحت انجام گرفته است. دلیل صحت انتخابات هم در مرحله اول تصدیق انجمن نظارت محل بوده است و در مرحله ثانی تصدیق حکومت محل و والی ایالت کرمان. یعنی انجمن مرکزی سیرجان و حکومت سیرجان و والی ایالت کرمان تصدیق انتخابات سیرجان را کرده اند که جریان آن کاملاً مطابق با قانون بوده و هیچ اشکالی در آن نبوده است. چیزی که هست در حوزه اقطاع و افشار که یکی از حوزه های جزء انتخابیه سیرجان است در آن جا يك عده تعرفه که مطابق صورتی که حکومت نظامی که اول در سیرجان بوده و بعد برداشته شده و حاکم غیر نظامی گذاشته شده و هر دو هم امضا کرده اند دو هزار و هفتصد تعرفه برای اقطاع و افشار فرستاده شده است فقط و فقط این دو هزار و هفتصد تعرفه در اقطاع و افشار بوده است از این دو هزار و هفتصد تعرفه هزار و صد و هشتاد و يك و بقیه تعرفه به بافت و بزنجان و رابر فرستاده شده که این سه محل بلوك عده اقطاع و افشار است و سایر جاهای دیگرش يك قصبیات و قراء خیلی کوچکی است. این سه محل انتخاباتشان را خاتمه داده اند و صورت آراء شان را هم فرستاده اند

از اعراب ندارد. در خرج به بنده جوابی دادند ولی جواب کتبی نبود جواب شفاهی بود که این مفتش نه برای تقیض انتخابات به کرمان می رود بلکه برای رفع اختلافی است که بین حکومت اقطاع و ولی کرمان اتفاق افتاده است. مفتش از اینجا به کرمان می رود تلگراف می کنند و سؤالی از او میشود و او جوابی میدهد که مضمون آن این است که پنج هزار و خورده تعرفه در اقطاع مصرف شده ولی هیچ اسم ندارد که این پنج هزار و خورده تعرفه که مصرف شده در مقابلش آراء گرفته شده است یا نه؟ و هیچ اظهار عقیده دیگری نمی کنند در آخر تلگراف میگوید ا گریول برای من رسید و من آمدم به طهران نظریات خودم را میگویم آقایان اعضاء شعبه تمام ادله مثبتة اعضاء انجمن نظار سیرجان و تصدیقهایی که برصحت انتخابات در این دوسیه هست يك طرف گذاشته اند و فقط تصدیق يك نفر مفتش را مدرك قرار داده اند و آنوقت آمده اند میگویند انتخابات اقطاع مطابق قانون بوده در صورتیکه این مقدار تعرفه به اقطاع نرسیده. در همان تلگراف هم میگویند که شاید مقدار زیادی از تعرفه هائی که برای مجلس مؤسسان فرستاده اند در آنجا بوده است. در صورتیکه برای مجلس مؤسسان به دهات و قراء آنجا ابدأ تعرفه فرستاده اند فقط در مراکز شهرهای ایالات و ولایات تعرفه بوده و در قراء و اطراف هیچ تعرفه فرستاده اند که در آنجا تعرفه باشد. فقط حکومت آنجا یا با تهدیدی که به او شده یا با ترتیبات دیگری خود سرانه يك اقداعانی کرده و نوشته است که آنقدر آقای کاظمی رأی دارد. بنده حقیقه خیلی تعجب میکنم از این قضاوت عادلانه که آقایان اعضاء شعبه کرده اند تمام ادله و مدارکی که دلالت برصحت انتخابات سیرجان میکند پشت پا انداخته اند...

شریعت زاده - دلایل را بفرمائید چیست؟

حاج میرزا مرتضی - در مرحله اول تصدیق انجمن

نظار که بالاترین چیزها است برای صحت انتخابات هر جا. و اگر تصدیق انجمن نظار و ولی نباشد چه مدرکی برای صحت انتخابات در دست دارید؟

باید انجمن نظار که مسؤول صحت جریان انتخابات است او تصدیق کند که يك انتخابات صحیح است یا صحیح نیست. اگر ادله آفرین بر خلاف انجمن نظار داشته باشند آنرا باید قلمه کنند که خیر این تصدیق انجمن غرض آمیز بوده و خطا کرده است. بر خلاف قانون است. اما مسئله ابطال آرائی که در موقع نرسیده است یعنی آراء حوزه های اقطاع و فشار و مده سی و شش و سی و هفت قانون انتخابات میگویند اگر چنانچه در موقعی که انجمن برای انجام انتخابات تعیین میکند انجمن های فرعی انتخابات خود را انجام نداده و صورت انتخابات را بخورده مرکزی فرستادند انجمن انتخابات خاتمه داده و نتیجه آراء را اعلان میکنند ولی این حق مانع از شکایت کردن نمایندگان نیست. انجمن سیرجان هم مطابق ماده ۳۶ و ۳۷ عمل کرده است و چون در آن موقع ضرب الاجل که تقریباً هشت یا ده روز گذشته بوده است آراء را عمداً معطل کرده بودند که ببینند نتیجه آراء سیرجان چه میشود که اگر چنانچه در آنجا آقای بدر اکثریتشان به اندازه رسید که تقریباً زیادتر از چه چیز هست باز برعهده تعرفه بفرزایند بین جهة معطل کرده اند و سیرجان فرستاده اند تا اینکه معلوم شود عده آرائی که آقای بدر دارند چقدر است و آنوقت اندازه که زید شد آن اندازه را بآراء بفرزایند و باین جهة در موقعی که انجمن ضرب الاجل کرده بود برای فرستادن آراء و آراء آنجا نرسیده بود آراء آنجا را باطل دانسته و اینکار مطابق قانون انتخابات است. اگر چنانچه قانون انتخابات صحیح نیست شما اعتراض بقانون بکنید و الا عملیات انجمن نظار سیرجان کاملاً مطابق با قانون و حق بوده و هیچ اشکالی ندارد راجع بفرستادن مفتش هم مراسله از وزارت داخله در مجلس هست که در تاریخ ۱۸ دی ماه

در نحت نمره ۱۵۰۶۸ می نویسد: که این مفتش فقط برای رفع اختلاف بین ولی و حکومت اقطاع رفتند است و ابداً هیچ مداخلتی در امر انتخابات نداشته است پس بر این تصدیق مفتش در اینجا هیچ سند و مداخلتی ندارد که در مقابل تصدیق انجمن و ولی کرمان گویید. انتخابات سیرجان بصد است. یا اینکه بگویند آقای کاظمی اکثریت دارند. بعلاوه بنده از حیث صلاحیت آقای کاظمی هم يك عریضی دارم که عجلالت عرض نمی کنم و اگر آقایان اجازه دادند بعد عرض خواهم کرد. شیروانی بفرمائید بفرمائید.

زوار - (خطاب با آقای حاج میرزا مرتضی) نسبت به صلاحیت خودش هم تردید است.

رئیس - آقای زوار: بشما اخطار میکنم. آقای شیروانی

شیروانی (تجرب شعیب) - در این چه چون موضوع روی جریان دوسیه و دفع از نظریه شعبه است بنده میل ندارم مثل نماینده محترم داخل در صلاحیت و عده صلاحیت اشخاص شوم. البته اگر مذاکره شد در این باب طرفین حرفهائی دارند که میزنند. ولی فقط بنده چون اشاره به صلاحیت آقای کاظمی شد شخصاً هويت ایشان را يك قدری به آزادی خواهان این مملکت یاد آوری می کنم. آقای کاظمی آن کسی است که برق به مرگ و استقلال را در طهران در دست گرفت و در مقابل آن کسانی که به اولتیماتوم روسها تمک میکردند. فریاد وطن پرستی زد. کاظمی در موقع قرارداد ۱۹۱۹ دستگیر شد و در قزوین شش ماه حبس شد. در همان موقع به تحریک اجنبی پرستها در همان کرمان که وطن آقا است کاظمی پی دار رفت.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. حاج میرزا مرتضی - صحیح نیست. شیروانی - بالاخره کاظمی از اشخاصی نیست که محتاج به معرفی باشد. در این مملکت آقای کاظمی اعم از اینکه

مجلس شورای ملی به او رأی بدهد یا ندهد و وکیل
 بشود یا نشود هویت آقای کاظمی طوری است که در
 این مملکت کوچکترین لنگه به دامن او چسبیده نمی شود
 این موضوع شخصی او بود البته بنده آنطرف قضیه را
 هیچ داخل نمی شوم مملکت و تاریخ خودش قضاوت
 میکنند. اما شخصا خود بنده و اعضاء شعبه که رأی
 به این دوسیه دادیم. بنده خودم را عرض میکنم و
 خدای خودم را شاهد میگیرم که در این قضیه و در
 این دوسیه کوچکترین غرض شخصی به خرج نرفته
 است و شخصا هم بنده به آقای بدر هیچ سابقه سوئی ندارم بلکه
 ایشان ارادت دارم و ابدا نظریات شخصی مداخلت در این
 دوسیه نخواهد داشت. معذک نکته که گمان میکنم مخالف
 و موافق در این مجلس تصدیق میفرمایند و نباید فراموش
 کرد این است که انتخابات مملکت ما اصولاً یک صورتهی
 خاصی بخودش گرفته اینرا ند میشود تقصیر مردم دانست
 و نه میشود تقصیر آن اشخاصی که میخواهند وکیل
 شوند فرض کرد. این البته یکقدری نتیجه جهل عمومی
 است که امیدوارم بزودی رفع شود و یکی نقص قانون
 که اینها سبب شده است و انتخابات در این مملکت مخلوط
 و بالنتیجه اینطور چیزها از توبش بیرون میآید خصوصاً
 انتخاباتی که یکقدری تأخیر بیفتد و مصادف شود با افتتاح
 مجلس و یک نفوذی هم که فوق تصور ما است دخالت در
 امر انتخابات بکند. مادر دوره پنجم هرچه خواستیم
 این فکر را ایجاد کنیم که مأمورین دولت مخصوصاً مأمورین
 عالیه دولت که کاندیدا شدند حقیقتاً نباید امیدوار به
 حسن جریان انتخابات شد (فرق نمیکند طرفین قضیه
 مأمور دولتند) اینرا ما هرچه خواستیم در دوره پنجم
 یک علاجی برایش بکنیم بدشرف نکرد برای اینکه مأمورین
 دولت هم البته حق دارند از حقوق ملی استفاده کنند
 و ما یک منطق اساسی نداریم که بتوانیم بگوئیم استفاده
 نکنند ولی بالاخره دخالت مأمورین دولت در انتخابات
 اینطور چیزها از توش بیرون می آید.

انتخابات سیرجان در نتیجه شرحی که در صورت مجلس
 انجمن نظاری که نمایندگی آقای بدر را تصدیق کرده اگر
 بخوانیم (چون صورت مجلس را خیلی خلاصه و مرتب
 نوشته اند که بلکه زودتر تصویب شود) مطابق چیزهایی
 که نوشته شده اگر ملاحظه بفرمائید از اوایل تشکیل
 کابینه گذشته صورتش عوض شده است. یک وضع طبیعی
 که در موقع اعلان عمومی انتخابات در تمام مملکت بوده
 انتخابات سیرجان هم داشته است. کاندیدای متعدد داشته
 است که آقای آیه الله کرمانی بوده است و چند نفر دیگر
 از اشخاص صحیح دیگر کرمان. آقای کاظمی هم که
 چندین سال است از دوره چهارم به اینطرف همیشه در
 کرمان و حوالی کرمان کاندیدا بوده اند و مبارزه میکرده اند
 کاندید بوده اند. کابینه سابق که تشکیل میشود یک چند
 ماهی که از عمر کابینه میگذرد صورت انتخابات سیرجان
 بکلی تغییر میکند. انجمنش عوض میشود. حاکم و
 معلم انتخابات عوض میشود، طرز تعریفه دادن عوض
 میشود، بالاخره انتخابات از حالی به حال دیگر انتقال
 پیدا میکنند. طرز خود دوسیه و خود صورت مجلس
 نشان میدهد که عوض شده است. در مملکت آقایان
 تصدیق میفرمایند که انتخابات دو قسم است. (اینرا از نقطه نظر
 هیچیک از آقایان عرض نمیکنم) اولاً یک انتخاباتی است که
 دولتها یعنی دولت مرکزی آنقدرها درس نظر ندارند.
 بین کاندیداها زد و خورد میشود بالاخره یک کاندیدا
 رایش بیشتر میشود اعم از اینکه آن جریان خوب
 باشد یا نباشد. (اینها را از روی دوسیه خوب میشود
 تشخیص داد) یک انتخاب انتخاب دولتی است که
 منشاء آن شروع میشود از یک تلگرافی و بعد انجمن
 نظار میگوید که شما وکیل هستید، بعد هم یک اعتبارنامه
 میدهد و بعد هم خرج انتخابات و این قبیل چیزها و
 قبل از آن یک سوابقی درس نیست. این دوسیه تا
 آنجائی که عرض کردم یعنی تا موقعیکه تغییر کابینه در
 مرکز پیدا شده است یک اسنادی درس هست که

انتخابات درست جریان داشته است از آن وسطهایش
 انتخابات دولتی میشود، یک تلگراف و یک اعتبارنامه
 است و بعد تمام می شود. قضاوت این دوسیه به مجلس
 است و البته قضاوت مجلس فوق تمام اینها است. در
 اینجا نماینده محترم فرمودند که شعبه بی اضافی کرده
 است و نسبت به شعبه اظهار بی مهری فرمودند. قطع
 نظر از اینکه سایر شعبات هم قضاوتشان همینطور بوده
 است و چندین شعبه دیگر را ملاحظه فرموده اند که
 دوسیه هائی را آورده اند و خوانده اند و بالاخره عقیده
 خودشانرا گفته اند. مرحله شعب بکمرحله استیفاي انتخابات
 است و حق خواهد داشت که هر چیزی با نظر او میآید رأی
 بدهد و بالاخره یک محکمه عالی دیگری که مجلس شورای
 ملی است رأی قاطع خواهد داد. البته مجلس یک رأی
 انجمن نظار سیرجانرا تأیید میکند و رأی شعبه را. ما
 هر دو رأی را در حضور مجلس میخوانیم هر کدام را
 صلاح دانستند رأی میدهند ولی چون میخواهم اوقات
 شریف آقایانرا تضییع نکنم مختصراً بعرض میرسانم. انتخابات
 در شهر رمضان ۱۳۰۴ ...

یک نفر ز نمایندگان - شهر شعبان

شیروانی - بلی شهر شعبان ۱۳۰۴ شروع میشود
 یعنی اعلان منتشر میشود. انجمن هم در آن موقع تشکیل
 میشود و مطابق قانون انتخابات انجمن مشغول تعیین
 معاین میشود (این صورت مجلسی است که نمایندگان
 آقای بدر را تصدیق میکنند) بعد از یکماه و نیم دومه که
 میگذرد و انجمن مشغول بوده و کار خودش را میکرده
 است بوقت یک تلگرافی میآید و انتخابات توقیف میشود
 در این بین اعضاء انجمن استعفا میدهند. طرز استعفایشان هم
 معلوم میشود که در تحت یک تأیید است. علی البدل را معین
 میکنند استعفا میدهند، آن یکی علی البدل را انتخاب میکنند
 مستعفی می شود و بالاخره یک وضعیت غیر طبیعی انجمن
 را بکلی از جریان می اندازد و تا آخرین لحظه هم متمم
 این انجمن را که پنج نفر بوده اند یکی در تحت فشار

گذارده و منحل میکنند. یک انجمن جدیدی بایک
 حاکم جدیدی می آید. در اعتراضاتی هم که آقای کاظمی
 میکند شرح حال این حاکم را می گوید که چه قدر
 آدم کشته است و چه کرده است ولی بنده داخل در
 هویت حاکم نمی شوم. این حاکم مأمور انتخابات جدید
 میشود همانطور که عرض کرده از آنوقت امر انتخابات
 استحال میشود این حاکم می آید مطابق ذوق و سلیقه
 خودش وضعیت را تغییر میدهد یعنی مطابق وضعیتی که
 در ماه دوم کابینه جدید در مملکت بوده ایجاد میکند
 و معلوم است او امر صادر میشود. حکام جزء را
 عوض میکنند: فقط حکومت اقطاع و افسر را بمناسبت
 اینکه یک قدری دور دست بوده تغییر نمیدهند شاید
 آن را هم فکر کرده بودند که آخر آراء انجمن را بطلان
 میکنند. در صورتیکه این قانون انتخابات را بنده
 می گذارم جلوی تمام آقایان یک ماده پیدا کنند که یک
 انجمنی حق داشته باشد یک عده آراء را بطلان کند
 حالا این دوسیه که بر تلگرافات شکایت است که کجا
 توی سر ما زده شد، کجا حاکم فلان کار را کرد
 و تلگرافات والی که الان خواه خواند تمام دال بر این
 است که آقای حاکم با تمام قوا عملیات خودشان را
 صرفاً انتخاب آقای بدر کرده اند و این هیچ محل گفتگو
 نیست و یک تلگرافات دیگری هست که اگر بنا شد یک
 محکمه جمع ری از مجلس شورای ملی تشکیل شد با سایر
 اسناد دیگری که ما داریم عرض خواهیم رساند که والی
 نه تنها تمام قوایش را صرف انتخاب آقای بدر کرده
 است بلکه در این ضمن ها میخواسته است دوسره بر
 کند یک تلگراف دیگر هم هست که بموقع خودش عرض
 میکنم و تمام اینها دلیل است بر اینکه والی و سایر
 مأمورین بغیر از حاکم اقطاع و افسار مأمور انجام انتخاب
 آقای بدر بوده اند معیناً کاظمی در همین قسمت دوهزار
 و پانصد رأی پیدا میکنند و انجمن اقطاع و افسار هم
 چون نسبتاً بیطرف بوده زیر بار انجمن مرکزی آنقدرها تفرقه

و همه روزه با مرکز، با والی، با انجمن نظارت مرکزی مشغول مکاتبه و تلگرافات و دادن راپرت بوده است و بالاخره تلگرافخانه قطاع و افشار از راپرت هائی که هر روزه انجمن داده است بر است و برای همین نظریه بود که در دوره گذشته خود آقای مدرس و سایر آقایان که علاقه مند با اصلاح قانون انتخابات بودند برای اینکه انجمن هم فرعی را انجمن مرکزی خفه نکند يك اختياری در تحت ماده هفده به انجمن های فرعی دادند. ماده ۱۷ میگوید: انجمن های نظارت هر حوزه انتخابیه در تحت نظارت حاکم محل متصدی و مسؤول صحت جریان انتخابات آن حوزه خواهند بود و انجمنهای مزبور غیر قبل تغییر و انحلال میباشد. این ماده را مخصوصاً در موقع اصلاح قانون انتخابات در نظر گرفتیم که وقتی که انجمن مرکزی می بیند کاندیدای خودش پیشرفت نمی کند آنها را تحت فشار خودش قرار ندهد. انجمن قطاع و افشار از این ماده استفاده کرده و زیر بار فشار انجمن مرکزی و والی و حکومت کرمان زرقه و زد و خورد ها کرده نوی سری خورده اند و هزاران شتاد به آنها وارد شده و از میدان در زفته اند و بالاخره آراء آرادشان را به کاظمی داده اند. انجمن نظارت مرکزی سیرجان که از فحواي صورت مجلس خودشان معلوم میشود و اکثریتشان خوشبختانه یا بدبختانه رأی باقاي بدر داده اند دو نظریه پیدا کرده اند. یکدسته میگویند بموجب ماده ۳۷ و ۳۸ ما آراء آنجا را (همانطور که نماینده محترم فرمودند) باطل میدانیم (همانطور که در خبر هم بنده نوشته ام) در صورتیکه لفظ ابطالی در قانون ذکر نشده است. ما باید اول فلسفه قانون را بفهمیم بعد آن قانون را بر طبق فلسفه تفسیر کرده و در موقع از قانون استفاده کنیم. ما میخواهیم بفهمیم در ماده ۳۷ و ۳۸ چرا این قید را کرده است. این قید بالاخره برای چه بوده؟ برای این بوده است که يك انجمن جزء یا يك انجمن فرعی اگر نظر مخصوصی بيك

وکیل دیگر داشت و در اقلیت بود و خواست انتخابات را معطل کند آترا تا يك مدتی که ضرب الاجل برایش قرار میدهند مطلوب الحاق بکنند و بگویند حق ندارید معطل کنید و در عین حال صریح ماده ۳۶ است که الان میخوانم میگوید نباید حق شکایت از آنها سلب شود و باید عین صورت مجلس و جریان دوسیه و همه چیز آنها را ضمیمه دوسیه کنند و برای قضاوت به مجلس شورای ملی بفرستند. ما در این دوسیه از طرف انجمن مرکزی سیرجان جز يك نظر که در صورت مجلس مینویسد که ما با آنها گفتیم آراء آنها صحیح نیست جز این يك نظر از دوسیه قطاع و افشار در این دوسیه چیز دیگری نیست پس انجمن مرکزی به وظیفه خودش رفتار نکرده است. انجمن مرکزی هم اگر عقیده اش این بوده که بر طبق ماده ۳۶ و ۳۷ باید آراء اقطاع و افشار را ابطال کند بفرمایت حضرتعالی باید دلایلش را ضمیمه صورت مجلس نموده و بفرستد اینجا که مجلس قضاوت کند شما چطور میتوانید قسم حضرت عباس را بخورید که که انجمن اقطاع و افشار دوسیه را دیر آورده است؟ شما کجا میتوانید این قسم را بخورید؟ يك انجمنی که اینطور طرف بوده شاید دوسیه را هم در ساعت معین آورده اند و در دوسیه انجمن مرکزی نگذاشته است. کدام دلایل محکمی را شما دارید که آنها دوسیه شان را نیاورده اند جز يك سطری که انجمن نظارت نوشته است نیاورده اند؟ انجمن نظارت بالاخره اظهار عقیده اش مبتنی به يك مدارك و دلیلی نیست. همینقدر میگوید بموقع نیاورده اند. انجمن اقطاع میگوید من فرستاده ام. بعلاوه در ماده ۳۷ قانون صریح است میگوید: اگر در يك محل انتخابات به عمل نیامد. نمیگوید انتخابات قسمت های دیگر را بکلی زیر پا بگذارند چون ۴۸ ساعت یا ۲۴ ساعت دیر تر رسیده است میگوید در هر يك از حوزه های انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هرگاه بعضی از آن نقاط در مدتی که

انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکند انتخابات خود را بعمل نیاورند. یعنی تعرفه منتشر نکنند، اخذ رأی نکنند، صورت مجلس ننویسند. اعتبار نامه امضاء نکنند، خبر ندهند، اینها عمل آوردن است، عمل انتخابات رأی ملت است و پس بقیه همه فورمالیته است و برای این است که رأی ملت را مراقب جریانش باشند پنجهزار رأی ملت را انجمن دلش نخواسته است حساب کند!! من تصور نمیکنم که وجدان آقایان بتواند يك همچو رائی را تصدیق کند. عمل عمل انتخابات است، باید فهمید که انتخابات در آنجا بعمل آمده است یا نه اقطاع و افشار دهات دور دستش شصت فرسخ فاصله داشته است و وسایل حمل و نقل با شتر بوده است. بالاخره يك همچو حوزه وسیعی با شتر میخواهد دوسیه و زندگانش را بیاورد به قول خودشان نوزدهم نیاورده بدست و سوم آورده است. چهار روز تأخیر وصول دوسیه يك حوزه انتخابیه که پنجهزار بانصد رأی داده است گمان نمیکنم ابطال آن مطابق منطق باشد. خود آقا فرمودند در همه سالها دوهزار و هفتصد، دوهزار و هشتصد تعرفه به اقطاع و افشار میفرستادند. یعنی جیره با آنها میدادند.

خیلی خوب. این جیره را چرا پای آنها حساب نکرده اند؟ این دوهزار و هفتصد تا را چرا حساب نکرده اند؟ اگر انجمن نظر خصوصی نداشت میخواست این جیره را باشان حساب کند. این دوهزار و هفتصد رأی را ضمیمه کند و بگوید آقای کاظمی صد رأی از آقای بدر عقب بوده اند نه اینکه پنجهزار و بانصد رأی را که این دوهزار و هفتصد نام جزوش است همه را يك مرتبه ابطال کند. پس لااقل آن معمولی سنواتی را میخواستند بهشان اجازه بدهند که رأی بدهند. اما اینکه فرمودند عقیده مفتش ملاک نمیشود و رأی انجمن صحیح است بنده تا يك درجه تصدیق میکنم فرمایش آقا را. البته باید بانجمن اقتدارات داد و چاره هم نداریم کس دیگر را نداریم جز انجمن که باید ناظر انتخابات باشد. اگر

چه بقول یکی از رفقای ما که در اصفهان می گفت: انتخابات اولادی است از يك پدر و مادر، پدرش حاکم است و مادرش هم انجمن نظر است. بقیه را باید صرف نظر کرد. ملت را نباید ملاحظه کرد. معینا برای این جریان غیر عادی برای يك جریان که يك قسمت و يك حوزه بهم متمسکی را از حق رأی محروم میکند. در این متمسکیت وسیع فی وسیله که ما از هیچ جا نمیتوانیم اطلاع کامل پیدا کنیم يك همچو دوسیه عجیب و غریبی در آنجا تشکیل میشود. انتخابات سه چهار ماه در مجرای طبیعی خودش سیر میکرده بعد کابینه که تشکیل میشود انتخابات هم عوض میشود از وسط يك همچو جریان را سیر میکند. البته طرف مقابل هم حق الامکان باید مقاومت کند و نگذارد حقوق خودش در نتیجه اقتدارات حکومت به هتک درات از بین برود. باید این جور آده را تقدیس کرد که در مقابل يك وزیر مقتدری که تلگراف مکتوب و انجمن و مأمورین همه زیر دست خودش است مقاومت میکند وزیر پشت میز وزارت نشسته و هی تلگراف میکند و از نوی خیابان راه میرفته و فریاد میزند. در مقابل يك همچو چیزی باید مقاومت خودش را بکند. مقاومت هم کرده و ثابت کرده است که این دوسیه جریانش عوض شده است. بکنفر آدمی هم که (بنده خیلی حقیقه تشکر میکنم از نماینده محترم آقای وثوق که خودشان در شعبه فرمودند آقای افجه کسی نیست که بیکی از طرفین نظر سوء داشته باشد) همه او را آدم خوبی میدانند و بالاخره ما هم از او يك سؤالی کردیم او هم جواب داده گفتیم آنجا پنجهزار و بانصد تعرفه منتشر شده؟ گفت بلی و در عین حال میگوید خودم اگر پیام توضیحانرا با مدارك میدهم ولی شعبه بیش از این احتیاج نداشت. حالا مجلس شورای ملی لازم بداند که بیشتر حرفهای او را گوش بدهند مطالبی است ولی ما در این دوسیه جز زردید و شکی که در اختلاف تعرفه داشتیم دیگری

در نمایندگی کاظمی نداشتیم آنرا هم مجبور بودیم از يك آدم امینی که اتفاق آراء اعضا شعبه امانت او را تصدیق کرده بودیم که در آنجا پنجاه روز با صد تعرفه وجود داشته و توزیع شده و در مقابل رأی گرفته اند به خیر؟ او هم يك همچو تصدیقی کرده است ما دیگر خود را نیازی دانستیم که تصدیقات دیگر از او بخواهیم. عرض کردم اگر جریان عادی می بود البته هفتش هم لازم نبود و هفتش هم هیچ محل اعراب نداشت ولی متأسفانه جریان يك جریان عادی نبوده است. شما در مرکز و پای نختمان نتوانستید جریان عادی بر طبق مود قانون انتخابات طی کنید. بالاخره مجبور میشدید يك حوزه که آرایش را تمیاد سه روز تمديد بدهید. این درست است که اندک تجاویزی بقانون شده ولی مقصود از قانون این است که مردم همه آرائشان را آزادانه بدهند اگر دو روز هم انجمن نظارت اخذ آراء را تمديد داده کفر نکرده است. اگر در آن موقع که جریان غیر عادی شده دولت يك مقتضی از مرکز فرستاده است در آنجا و يك حقایقی را کشف کرده بنده خیال میکنم بر خلاف اصول نشده و تصدیق آقای افجه را هم بنده خیال میکنم تصدیق صحیحی باشد و دیگر بیش از این بنده مصدع اوقات نمایندگان محترم نمیشود و در خاتمه عرض میکنم که در این جور مواقع در این قبیل دوسیه ها و این قبیل جریانها که کاملاً آقایان در ذهن و فکر خودشان میتوانند قضاوت کنند آن چیزی که بیشتر از همه چیز باید اهمیت داشته باشد و در اینجا قضاوت همه چیز را باید با او واگذار کنند وجدان است.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- موافقم

رئیس -- آقای سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- مخالفم

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- گمان نمیکنم موافقین یا مخالفین که در این موضوع صحبت میکنند راجع بصلاحت منتخب باشد راجع به آقای کاظمی و آقای بدر مجلس شورای ملی هر دو شان را صالح میدانند. پس آقای شیروان که يك شرح شعبی از مدایح آقای کاظمی بیان فرمودند مدخلیتی در انتخابات نداشت بلی آقای کاظمی حقیقه يك جریان آزاد بخواه مشروطه طلب علاقه مند مملکت است ولی علاقه مند مملکت هم خیلی است. اگر انتخابات صحیح نباشد علاقه مندی بمملکت انتخابات را صحیح نمیکند. دو موضوع است یکی صلاحیت منتخب است یکی موضوع جریان انتخابات است. ما این در موضوع را باید از هم منفک کنیم. هیچوقت اوصاف شخصی مدخلیت در قانون ندارد. قانون برای تمام افراد است بکوفتی است که این قانونیکه برای تمام افراد است يك فردی که مصداق این قانون واقع میشود امام زمان است يك فردش کس دیگر است پس افراد خارجی را مدخلیت در جریان انتخابات ندهید آقای شیروان. همین طور آقای بدر را هم تصدیق در بید در دوره اولی که وزیر علوم شد به تصدیق تمام مطبوعات و صداهائی که از همه بلند شد چه خدماتی معارف کرد حقایق که از بین نمیروند. بنده نگویم ولی دست حقیقت و تاریخ همه اینها را بیان میکند. (فردا که بیشکاه حقیقت شود دیدید. شرمنده رهروی که نظر بر مجاز کرد) حقیقت مخفی نمیشود. پس داخل در شخصیات نباید شد. حقیقت را باید در نظر گرفت. بفرمائید آقای شیروانی مجلس عنوانش مقام تمیز را دارد. مقام شعبه مقام استیناف است. بنده با اینکه فوق العاده علاقه مند با آقای شیروان هستم و مثل برادر دوستشان دارم اما در مسائلی که محل نظرمان واقع میشود اختلاف سلیقه داریم ولی کاملاً در مقام سیاست با هم هستیم. اینجا اختلاف سلیقه در قضاوت است و الا ما هیچ با همدیگر جنک نداریم و با هم غراب نمیشویم. حالا وارد میشوم در این مسئله. بنده مکرر در پشت همین تریبون عرض کردهام

يك قضائاتی هست در واقع و نفس الامر ولی يك قضائاتی هست که از روی دوسیه است. ما قضاوت محکمه استیناف و تمیز هستیم. انجمن نظار که به منزله قاضی ابتدائی است شعبه بمنزله قاضی استیناف است و ما هم که در واقع رابرت شعبه و محکمه استیناف را در اینجا مطرح قرار میدهیم بمنزله تمیز هستیم. میخواهم عرض کنم که شعبه نباید غیر از دوسیه که از طرف وزارت داخله (که مأمور انتخابات است) تقدیم میشود چیز دیگری را در نظر بگیرد. علم واقعی ربطی ندارد قاضی نباید بعلم واقعی خودش عمل کند. مطابق مدارك و دوسیه باید عمل کند. بلی حقیقه يك اشخاصی صالحند ولی دوسیه راجع بآنها نیست. ما قاضی مدارك و دوسیه ایم. قاضی قوانین هستیم. از روی این قوانین باید قضاوت کنیم و این قوانین را باید مصدر و دستور العمل خودمان قرار دهیم فرمایشات دیگر مطاع است ولی وقتی این قانون آمد باید فرمایشات در تحت این قانون در ذیل این قانون باشد اگر بخواهیم مملکت رو سعادت برود قانون مقدم بر همه است قضاوت ما هم باید بر روی قانون باشد. بنده عرض میکنم شعبه دوسیه را از هیئت رئیسه بگیرد. هیئت رئیسه دوسیه را از وزارت داخله برایش میآورند.

وزارت داخله دوسیه را از انجمن میآورد. پس مناط تمام اینها انجمن واقع میشود. اگر انجمن مرکزی محل عدم اعتبار است باید وزارت داخله در آن دوسیه که میآید مجلس شورای ملی بنویسد که این اعضاء انجمن مرکزی غیر معتبرند. اگر ایرادی داشتند آقایان قضاوت محترم شعبه باید ایراد کنند که این انجمن مرکزی و این قضائی که در آنجا معین شده اند مطابق قانون نیستند، از معتمدین محل نیستند، نماینده محل نیستند پس از آنکه انجمن تمام درست شد هر چه گفت باید گوش داد. چرا؟ چون انجمن که پایه اول است درست است و مطابق قانون که باید سعی و شش نفر معین شود و نه نفر عضو اصلی و نه نفر هم علی البدل از بین آنها

معین شود عمل شده. در اینجا که اشکال فرمودند چون در رابرت شعبه با آن زیر دستی که آقای شیروانی دارد و تمام نکات را ملاحظه کرده است دیده چنین ایرادی نشده است. پس این انجمن درست است. حالا که درست شد آقایان انجمن میگویند انتخابات اینطور واقع شده است. قانون هم میگوید آقای انجمن تو مجبوری این کار را نکنی. اگر این کار را نمیکرد فحش میدادید. میآید انجمن تو مجبور هستی این ماده را اجرا کنی. انجمن میگوید در آن موقعی که من اعلان کرده ام باید در آن موقع آراء بیاید آراء نیامد. انتخابات را ختم کرده. مدتی هم معطل شدم نیامد. بنده از کجا اطمینان پیدا کنم که این آراء بعد از توی راه پیدا نشده است؟ خیر که نداده اید. میگویند من ظرف مدت معین کرده که انتخابات تا چند روز است. از بافت که محل قطع و افشار است تا سعید آباد هفده فرسخ است یعنی شنیده ام کرمان که زفته ام. تمام این حد را هم انجمن معین کرده است گفته است آقایان این قطع و افشار شما که حق انتخاب را دارید در این موقع مقررده بموجب این قانون که دستور العمل اجرائیات ما است و ما باید مطابق این عمل کنیم در این موعده معین باید آراء را بیاورید. این بعینه مثل نماز است اگر شما قبل از آفتاب نماز نخوانید باطل است.... حاجری زاده -- فضا کنند.

آقا سید یعقوب -- در اینجا تصدیق فرمائید که دیگر قضا قبول نمیشود. مگر قضاوت حضرتعالی باشد که حالا دو مرتبه از بافت کرمان یازده سیایند بگویند ما وکیلیم. دیگر قبول نیست. در وقت معین نیآورده اند. چکار باید کرد؟ انجمن تکلیفش چه چیز است؟ حالا این ماده را میخواهم فارسی هم نوشته است (هرگاه بعضی از انجمن های نظارت جزء صورت مجلس انتخابات خود را در مدتی که انجمن مرکزی برای آنها معین کرده با انجمن مزبور نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را

بنده وارد در این جزئیات نمیشوم که این تعرفه که انجمن مرکزی تصدیق نمی کند از چه زمان بوده است از زمان مجلس مؤسسان همین طور تعرفه باقی مانده است و تعرفه که از زمان مجلس مؤسسان باقی مانده است بخرج داده است یا آیا اجازه داده اند یا نه؟ وارد اینها نمیشوم اما انجمن اینجا کارش را تمام کرده. يك مسئله دیگر که بنده و آقای شیروانی حقیقه متوجه هستیم که باید آنرا خاتمه داد مسئله مفتش است. اینجا قانون انتخابات در دست ما است. مفتش چه رسمیت دارد؟ هر کس میخواهد باشد. آقای افجه خیلی خوب و مقدس اما در مقام خودش است و مدخلیت ندارد. در کجای قانون مفتش معین شده است؟ این است که بنده میگویم قانون که از مجلس بیرون میآید و بدست قوه مجریه می افتد يك چیزهایی که ابدأ مدخلیت در قانون ندارد باو می بندند. کجای این قانون (از اول تا آخر ورق بزنید) مفتش هست؟ ما چرا میآئیم در یکجایی که منافع داریم بوجود مفتش مدخلیت میدهیم که پس فردا تمام انتخابات ما در چنگال مفتش بیفتد؟! مفتش که چه مدخلیت دارد که ما تصدیق و تکذیب از او بخواهیم؟! بنده که جرئت نمی کنم استیضاح کنم ولی آن دولتی را که مفتش روانه میکند باید استیضاح کنید. این دولتی که مفتش میفرستد پس فردا نمیگذارد بکنفر مشروطه طلب وکیل بشود. این دولت محبوب جنابعالی است آقای شیروانی: بجهت جهت مفتش را مدخلیت میدهیم؟ کدام ماده از قانون مفتش را مدخلیت داده است؟ بجهت جهت بنده که بکنفر از قضاة هستم عقیده مفتش را در رأی مدخلیت میدهیم؟ در آن دوسیه که به مجلس شورای ملی میآید و تحت نظر شعبه و نمایندگان میآید ابدأ نظر مفتش مدخلیت ندارد. کاغذ پاره باید او را فرض کنید. ما چرا امور غیر قانونی را اینقدر تعقیب میکنیم که پس فردا نتوانیم جلوس را بگیریم؟ این است که بنده کاملاً با این مسئله مخالفم. بعد از این عرابی که بنده

خاتمه داده نتیجه را معین میکند) حالا هم نتیجه را معین کرده است بل بنده هم بافرمایش آقای شیروانی موافقم که چرا لفظ ابطال میگوید ولی اشخ با آنرا خاتمه داده. يك کفری هم گفت. يك رده گفت. يك مرند فطری در قانون شد که چرا گفت باطل است. اما انتخابات را خاتمه داده است...

شیروانی - مجازات باید بشود.
آقا سید یعقوب - يك کفری گفته است. يك رده از زبانش جاری شد که گفت باطل است ولی مدخلیت ندارد. انتخابات خاتمه پیدا میکند. خبر میدهد بوزارت داخله. وزارت داخله بر میدارد خبر میدهد بمجلس شورای ملی. مجلس شورای ملی کاملاً مطابق ترتیبی که از وزارت داخله امر میآید عمل میکند. اگر در يك جائی بفرمائید وزارت داخله بد کرده است بنده در آن مورد دیگر وارد نمیشوم. چون گفت بعضی جاها هست که حرف شیطان را باید شنید حالا اینجور نمیشود که در بعضی جاها بشنوم و در بعضی جاها نشنوم. آن شخص میگفت که شیطان گفت برو برای فلان آقا کلاه بردار بیاور. گفت عیب ندارد بعضی حرفهاش را بشنو آقا: وزارت داخله هر چیزی داد ناچار است مجلس شورای ملی عمل کند. وزارت داخله را برت میدهد که سید یعقوب وکیل است. بعد معلوم شد که سید یعقوب وکیل نبوده است. مجلس کار خودش را کرده است. اینجا هم همینطور است. یس نسبت باین جریانی که انتخابات پیدا کرده است اشکالی نیست عرض کردم ما در صلاحیت منتخب هم وارد نمیشوم. حقیقه یکی از آزادخواهان و زحمت کشهای اول مشروطیت همین آقا سید کاظمخان بوده است بینی و بین الله...

عمادی - سید مصطفی خان

آقا سید یعقوب - اما عرض کردم مدخلیت ندارد در اینجا. این جریان انتخاب است. جریان که واقع شد در موعد معین دیگر چه باید کرد؟ اما راجع بتعرفه

کردم خود آقای حائری زاده حفظه الله و آقای شیروانی تصدیق مفرمابند که این رأی که داده اند مبتنی بر يك مدارك قانونی نبوده است چون انجمن تصدیق نکرده است. وزارت داخله هم تصدیق نکرده است بکنفر مفتش که غیر مؤثر و غیر مناسب و اجنبی نسبت بانخابات است. يك کلاغی از آنجا برید من عقیده ام اینطور میشود: بنده از راه صلاحیت وارد نشدم. بنده عرض میکنم قضاوت ما باید در تحت مدارك قانونی باشد. مفتش در عقیده شعبه مدخلیت ندارد. مفتش اساس بقانون ندارد. صحیح هم گفته باشد رأی شعبه باید متکی بمدارك قانونی باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

شریعت زاده - بنده مخالفم.

رئیس - آقای شریعت زاده راجع بعده گفتار

مذاکرات اگر مطلبی دارید بفرمائید.

شریعت زاده - بنظر بنده مطلب طوری است که يك قیافه تعصب و تقید آمیزی متأسفانه در مجلس شورای ملی راجع باین موضوع احساس و مشاهده میشود و البته تعصب و تقید همیشه ممکن است در موقعی مرتفع شود که اطلاعات عمیقی در اصل موضوع بوسیله بیان توضیحات کافیه تحصیل شود تا طرفین موضوع متوجه شوند بلزوم خود داری از تعقیب يك مسأله که شاید مؤثر باشد در قضاوت عادلانه و بنظر بنده يك نکات مؤثر و مهمی در توضیحات رعایت نشده است زیرا يك قسمتش را متأسفانه آقای محمدرشتهیار کردند که راجع بود بوصول دوسیه ها و دفاتر حوزه های فرعی اقطاع و افشار که در دوسیه رسیدش موجود است اینها يك مسائل مؤثری است که بعقیده بنده هر قدر توضیح شود آقایان بهتر و آزادانه تر میتوانند قضاوت وجدانی کنند از این جهت بنده معتمد که اگر قدری هم طول بکشد بصلاح نزدیکتر باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود. آقایانیکه مذاکرات را

کافی میدانند قیام فرمایند

(عده قبیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای شریعت زاده

شریعت زاده - قبل از اینکه بنده بتوضیح مطالبی که جلب توجه نمایندگان محترم بآنها لازم است بپردازم این جمله را بعرض میرسانم و انتظار دارم که وجدان و عدالت پروری آقایان مستلزم قضاوت عادلانه در اینقسمت باشد. بنظر بنده عظمة مقام مجلس شورای ملی نه بدرجه ایست که ما هیچیک اجازه داشته باشیم در این قبیلی مسائل از نقطه نظر يك خصوصیات و شخصیات یا حالت عصبانی و بلاخره تعصب و تقید مسائلی را توضیح بدهیم و بنظر بنده مجلس شورای ملی وضع شده برای حل مسائل نظری و در حل مسائل نظری طبعاً اختلاف نظر تولید میشود زیرا از نقطه نظر روحیات و نفوس و طرز فکر و سنخ معلومات و تربیت طرز فکر و قضاوت مختلف است. علت تشکیل و تأسیس مبنای اجتماعی مشروطیت این است که در نتیجه مباحثه مضراتیکه از این حیث ممکن است تولید شود مرتفع شود. بنابراین بنده با کمال خصوصیتی که باقاي بدر دارم و با کمال علاقه مندی که باقاي کاظمی دارم خدا را بشهدت میطلبم که من مثل يك مرد بیطرفی در این مسئله قضاوت کردم و قول میدهم که اظهارات من فقط نتیجه همان مطالعات بیطرفانه باشد هیچ در نظر ندارم که آقا کی است یا کاظمی کی است. آقای آقا سید یعقوب يك شرحی فرمودند که مجلس شورای ملی نباید بصلاحت اشخاص در امر انتخابات مدخلیت بدهد. بنده بر عکس عقیده دارم اگر در يك انتخابات يك شخص صالحی معلوم شد که حق دارد و جهات ترجیحیه در دلائل او هست مجلس شورای ملی باید کمال علاقه مندی را نسبت باو ابراز نماید. البته نمیخواهم عرض کنم که در اینجا چه نحو باید قضاوت کرد. تاریخ زندگانی اشخاص خوب تکالیف افراد نمایندگان را در مورد این قبیل قضاوتها معین میکند. ولی در

این موضوع حالا موقیع نیست عرض بکنم بعد از بیان توضیحات راجع به این موضوع انتخابات این جلسه را هم تذکر میدهم که آقای آقا سید یعقوب شرحی فرمودند که انجمن نظارت مرکزی محکمه ابتدائی است و وقتی هم که رعیت مراسم قانونیه در تشکیل آن بعمل آمده تشخیصات این انجمن قطعی و غیر قابل اعتراض است بنده خیلی متأسفم از اینکه نه فقط این توضیح مخالف مواد صریحه قانون انتخابات است بلکه با اصول مساعده هم که مربوط بحکومت ملی است مخالفت دارد زیرا اساساً طرز تشکیلات که مأمور قضاوت در اعتبار نامه ها است در قانون انتخابات طوری معین شده است که مدلل میدارد که اگر يك انجمن نظارتی برخلاف حق و برخلاف قوانین اقدامی کرده است شعبه یا مجلس شورای ملی او را جبران کند. بنا بر این اگر فرض کنیم که انجمن مرکزی صحیح تشکیل شده این مسئله مستلزم این نیست که مجلس هم مجبور باشد به تبعیت يك رائی که برخلاف قانون از او صادر شده است مجلس شورای ملی باید همیشه احتراز کند که در تاریخ خودش از قبیل نموده هارا نگذارد علاوه اگر بنا باشد این عقیده را تصدیق کنیم ضرورتی ندارد که شعبه تشکیل شود و مجلس رای بدهد زیرا در موقعی که انجمن نظارت تشکیل شده و طرف اعتراضی هم واقع نشده و اعتبار نامه هم بیکنفر داده است و شکایتی هم از حیث صلاحیت آن شخص نداشته است دیگر ضرورتی ندارد که اعتبار نامه اش را مجلس تصویب کند. پس این موضوع بطور صراحت میرساند که این صحبتها در مجلس صحیح نیست و باید مجلس نسبت به اعتبار نامه ها قضاوت کند و اگر جریان انتخابات مطابق موازین قانونیه بود و تشخیص هیئت نظارت بر طبق قوانین بعمل آمده بود تصویب کند و الایرد کند. این حق را نمیشود از مجلس شورای ملی سلب کرد. اما آمدم راجع به استناد آقای آقا سید یعقوب به ماده ۳۶ و ۳۷ قانون انتخابات. چون آنطوریکه بنده فهمیدم طرز استدلالشان

این بود که نظر باینکه نمیتوان اعتراض کرد بر عملیات انجمنی که تشکیل آن و صلاحیت اشخاص آن مورد اعتراض نشده پس استناد آنها باین ماده صحیح است در صورتیکه بنظر بنده چون عدم صحت دلیل آنها مسلم است پس مجلس ملزم نیست که بتشخیص آنها اتباع کند و این استدلال آقا صحیح نیست و از این حیث بنده احتیاجی ندارم که تفصیلاً در این باب عرایض بکنم و در عین حال لازم میدانم توجه آقایان را به ماده ۳۶ و ۳۷ قانون انتخابات جلب کنم این دو ماده راجع بدو مفهوم متفاوت است. ماده ۳۶ راجع است بدیر رسیدن نتیجه عملیات انجمن یعنی اگر فرض کنیم که يك انتخاباتی در يك جائی بعمل آمده ولی وصول نتیجه اش دیر شده باشد انجمن مرکزی مجبور نیست که منتظر شود تا وقتی که او نتیجه انتخابات آن حوزه را بدهد و در عین حال در همان ماده مصرح است که اگر بعد از تعیین نتیجه در انجمن مرکزی نتیجه انتخابات انجمن های فرعی به انجمن مرکزی آمد شکایت اشخاص ذی نفع نسبت به آن وارد است و انجمن در مدت مقرر باید رسیدگی کند. معنی این است که اگر نتیجه انتخابات حوزه فرعی بعد از رسیدگی صحیح در آمده باید او را ضمیمه کند و اگر غلط در آمده با دلائلش بایستی بگوید قدر مسلم این است که ماده ۳۶ بهیچوجه مربوط نیست باسقاط حق انتخاب بلکه مربوط است بوظایف انجمن مرکزی در موردی که نتیجه عملیات يك حوزه فرعی دیر بیاید ماده ۳۷ مفهوم دیگری دارد و آن این است که اگر انتخابات بعمل نیامد یعنی اگر اهالی شرکت نکنند در آن صورت البته حق آنها ساقط خواهد شد. بنده هم معتقد باین عقیده هستم ولی در صورتیکه انتخابات بموقع بعمل آمده و آراء داده شده منتها بواسطه يك عللی يك روز دو روز دیر تر آمده است البته بطور وضوح ثابت است که مشمول این ماده نیست و نمیتوان اهالی يك نقطه را باین جهت از حق مشروع خودشان محروم کرد پس در این قسمت

تردیدي نیست که تشخیص انجمن نظارت سیرجان باستناد ماده ۳۶ و ۳۷ صحیح نیست و از این حیث بهیچوجه اعتراضی بر انتخاب اقطاع و افشار نمیتوان کرد و اما راجع بموضوع رسیدن دوسیه ها و دفاتر حوزه های فرعی افشار و اقطاع. اینطور نیست که آقای محبر فرمودند میرزا عبدالله خان طاهری یعنی معلمی که انجمن مرکزی سیرجان باقطاع و افشار فرستاده است در تاریخ هشتم آذر ۱۳۰۵ شانزده جلد دفتر راجع به انتخابات اقطاع و افشار به انجمن مرکزی تسلیم نموده است که متأسفانه بواسطه اعتراضی که در کار بود آن دفاتر را مجلس نفرستاد و هر قدر ما و خود کاظمی سعی کردیم که والی حاضر شود و آن اسناد را بمجلس شورای ملی بفرستد بالاخره نفرستاده است منتها یکی از اسنادی که در ضمن يك جریاناتی اتفاقاً از کرمان بوزارت داخله منتقل شده است رسید انجمن مرکزی است که نسبت به شانزده جلد دفتر مینویسد (در صبح روز ۲۸ آذر ماه ۱۳۰۵ موازی شانزده جلد دفتر راجع به انتخاب اقطاع و افشار توسط میرزا عبدالله خان معلم به انجمن سیرجان واصل شده. امضاء: رئیس انجمن سیرجان: یحیی محل مهر انجمن) پس معلوم می شود که تمام مراسم قانونیه در انتخابات اقطاع و افشار بعمل آمده و بنا بر این باید دلیل برای ردش داشته باشیم. دلیل چیست؟ دلیلش علاقه بکعبه متنفذین و طرفداران آقای بدر است ممکن است آقای کاظمی هم بکعبه طرفدار دیگری داشته باشد. این که دلیل نیست. قسمت دیگری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند موضوع مفتش است که فرمودند مفتش بهیچوجه مدخلیت قانونی ندارد البته آقا خوب میدانند که وزارت داخله در مقابل مجلس شورای ملی مسؤول نظارت قانونیه در مسائل انتخابیه است و وسیله وزارت داخله هم در اعمال این نظارت حکام هستند. وقتیکه حکام از حدود آن وظایف مقرر تجاوز کردند و اعمال غرض کردند موضوع انتخابات

مورد شکایت واقع میشود و دولت ناچار است تحقیقات بکند که اینطور هست یا نیست و بالاخره دولت در حدود صلاحیت خودش این مفتش را فرستاده است. مفتش هم که يك آده معتمد در نزد همه است رفته است و تحقیقات کرده است. اولاً معلوم شده است پنجهزار و چهار صد و روزه تعرفه توزیع شده است و مثبت بر صحت اظهارات او دفتری است که شانزده جلد داده شده است به انجمن مرکزی. پس از این حیث اشکالی بدولت وارد نیست و استناد ما به این است که مفتشی که خودش مورد اعتماد است و برخلاف مقررات قانونیه هم اعزام نشده است يك وسیله است از برای تحقیق و تشخیص اینککه موضوع از چه قرار است. و خود این وسیله هم در قضایا مؤثر و قابل استناد است. پس از این جهت هم اشکالی بنظر نمیرسد و چیزی که لازم است بنده مورد توجه آقایان قرار بدهم موضوع تعرفه است که در این باب هم يك اشتباهی وارد میشود و آن این است که از سیرجان پنجهزار و پانصد تعرفه بموجب مراسله حکومت در تحت نمرد ۵۵۰۰ برای حکومت اقطاع و افشار فرستاده شده بود قبل از حاکمی که اخیراً مقصدی در امور انتخابات بود و این تعرفه در آنجا موجود بوده و اینکه گفته میشود (دو هزار و هفتصد تعرفه) صحبت از اینجا برخاسته شد که پس از اینکه آقای والی تصمیم گرفته است که آقای بدر از اینجا انتخاب شوند در نقطه بردسیر مأموری معین کرده است که عبارتست از آقای رفعت الدوله برای اینکه آراء زیاد در اینجا نهیه کنند امر داده اند بحاکم اقطاع که از آن تعرفه هائی که شما در اینجا دارید برای ما هم بفرستید او هم گفته است که خیر تعرفه کم بوده است و مصرف شده است و باز هم این مسئله را وزارت داخله از حاکم اقطاع استبضاح کرده است و او هم جواب داده است و سواد مراسله حکومت آجابارا هم فرستاده است که بموجب آن مراسله

پنجهزار و بانصد ورقه تعرفه بوده است پس مطابق این مراسم پنجهزار و بانصد ورقه تعرفه بوده است پس وقتی که تعرفه بوده و وقتی هم که قرار بر این باشد که در مدت معین اشخاصی که می آیند تعرفه میخوانند باید به آنها تعرفه داد بنده حتی معتقدم (حضرت آقای مدرس و سایر آقایان توجه فرمایند باین مطلب) که تعرفه در قانون عنوانی ندارد زیرا تعرفه عبارتست از ورقه که اسم انتخاب کننده و مهر انجمن نظار را دارد فرض کنید که از يك نقطه به نقطه دیگر بانصد ورقه تعرفه چیت فرستاده شد بنده حتی مدعی هستم که مطابق موازین قانونیه اگر آن عده تعرفه در يك مدت کمی گرفته شد در باقی مدت باستانی نمی توان گفت چون تعرفه چیت نیست شما نباید رای بدهید بالاخره مجلس باید جنبه علمی قضایا را در تحت قضایوت در آورد این هم مسئله تعرفه پس رای داده شده است و شانزده جلد دفتر هم فرستاده شده است و تمام مراسم قانونی عایت شده و اشکالی هم نیست و اگر نظر آقایان محترم این است که تحقیقات ناقص است ممکن است اظهار فرمایند که مورد نقص چیست؟ تا تکمیل بشود و البته اگر به این اصل جواب صحیحی دارند فرمایند بنده حاضریم که اگر مطابق موازین قانونیه يك جواهرهای مؤثری راجع باین توضیحات بنده بدهند بنده هم موافقت کنم و رای بدهم به آف و بالاخره عظمت مجلس هم اجازه نمیدهد زیرا ملکات احتیاج به آرامش و تعاطی فکر نمایندگان با یکدیگر دارد و نباید بکعده از نقطه نظر اعمال نفوذ سعی کنیم که يك کسی تحمیل شود و بکعده در مجلس شکست بخورد بنده این اصول را نمی بینم و البته اگر در مسائل نوعی باشد بنده هم حاضریم و استدعا میکنم آقایان عصبانی نشوند این مسائل يك مسائل عادی است ما میتوانیم تحقیق نمائیم اگر بنده صحیح نگفته باشم البته متقاعد میشوم و اگر آقایان صحیح نگفته باشند متقاعد میشوند و بالاخره بنده امیدوار

هستم با این توضیحاتی که بعرض آقایان رساندم دیگر مشاهده يك جریانات تعصب آمیزی در این موضوع بکنم و مطابق عدالت و انصاف درین موضوع رای داده شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرضی ندارم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- عده پیشنهاد کرده اند که با اوراق

رای گرفته شود عده دیگر تقاضای رای مخفی

کرده اند

(دو فقره پیشنهاد مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان ذیل تقاضا مینمائیم نسبت به رایزرت

شعبه ششم در موضوع انتخابات سیرجان مطابق ماده ۸۹

باورقه رای گرفته شود احتشام زاده -- محمود رضا --

شریعت زاده -- حبشیدی -- جواجوی -- حائری زاده --

افشار -- عمادی -- دکتر سنک -- نجومی

ما امضا کنندگان پیشنهاد میکنیم که راجع رایزرت

شعبه مربوطه با انتخابات سیرجان و آراء اقطاع و انتخاب

آقای کاظمی رای مخفی بامهره گرفته شود

کازرونی -- نگهبان -- ابراهیم آشتیانی -- جواد امامی --

امیر حسین -- حاج میرزا مرزقی -- غلامحسین مسعود --

حسن اسفندیاری -- مرزقی بیات -- حاج شیخ بیات --

معمد التولیه -- ذوالقدر -- حسین جلائی -- امیر تیمور

فیروز آبادی -- علی زارع -- آوانس -- یعقوب الموسوی --

حبیب الله امین -- حسین وزیری

رئیس -- رای اینکه سوء تفاهمی رخ ندهد احتیاطاً

باید چیزهایی که بنظر بنده میرسد عرض کنم اولاً رانی

که گرفته میشود بخبر شعبه است یعنی نمایندگی آقای

کاظمی ثانیاً ترتیب رای مخفی از قرار است که عرض

می کنم بهر يك از آقایان دو مهره رای داده میشود

تشریف آوردند اینجا اول مهره رای خودشان را در ظرف فلزی که در روی کرسی لطق در طرف دست راست بنده گذارده شده است می اندازند بعد از اینکه یکی از مهره ها را بمیل خودشان در توی ظرف انداختند از یکی از آقایان منشیا يك مهره تقشیه می گیرند تشریف میآورند بالا آن مهره تقشیه را میاندازند توی این ظرف چینی و يك مهره دیگری که مهره رای است و در نزدشان باقی است آنرا خواهند انداخت در ظرف چرمی که در دست آقای دیوان بیکی است آقای کازرونی کازرونی -- چون رایزرت شعبه نظر سابقه بنظر بنده قدری پیچیدگی دارد بنده تکلیف خودم را بعد از اینکه نتیجه آراء معلوم شد در يك قسمتش نمیدانم عرض می کنم اگر چنانچه اکثریت حکم کرد که آقای کاظمی وکیل است که معلوم است ولی اگر بعکس شد در اینصورت تکلیف چیست؟ آیا آقای بدر تصویب میشود یا خیر؟

رئیس -- محاله در این باب مذاکره نمیشود چیزی

که مطرح است رایزرت شعبه است و باید رای گرفته

شود به رایزرت عده حضار ۱۰۵ نفر است

(اخذ آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

مهره تقشیه ۱۰۲

مهره سیاه (علامت رد) ۵۷

مهره سفید (علامت قبول) ۴۵

رئیس -- عده حضار ۱۰۵ نفر هستند با اکثریت

۵۷ رای رد شد چند دقیقه تنفس داده میشود

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از

نیمساعت ثانیاً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- بنده عرضی ندارم

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- بنده راجع با انتخابات سیرجان يك عرضی ندارم

رئیس -- بفرمائید

عراقی -- بنده تصور میکنم که راجع با انتخابات سیرجان يك رأی انجمن نظار سیرجان داده بود و بکنفر را وکیل میدانست و فرستاده بود و شعبه يك رأی داده که بعقیده بنده بدلائل الزامی رأی شعبه رای انجمن نظار سیرجان را طرد کرده بود یعنی اقتدار نامه نصیرالدوله را طرد کرده بود مجلس هم در این باب يك حکومتی کرد یعنی رأی شعبه را رد کرد حالا در بین رأی که مجلس داده است آیا رأی شعبه را بلامه حتی آن دلائل الزامی را هم که رأی شعبه در این قسمت داشته رد کرده یا اینکه خیر دلائل الزامی نداشته بلکه بدلائل منطوقی نمایندگی آقای کاظمی رد کرده و نسبت بنمایندگی آقای بدر ساکت است و تصویب کرده است؟ بنده خیال می کنم این يك مبحثی است که باید درش صحبت کرد

رئیس -- آقای حائری زاده

حائری زاده -- بنده تصور میکنم که این موضوع ابدأ مسئله نظری نیست و بدیهی است ولی بنظر بنده محترم آقای عراقی نظری است بنده سه دوره است افتخار عضویت مجلس را دارم و سوائی را به نظیر این امر بوده است بعرض آقایان میرسد در دوره چهارم چند نفر از مجلس رد شدند آقای مشیر معظم والی کرمان که همین انتخابات بدست ایشان بوده رد شدند و بجای ایشان آقای نظام مافی که الساعه در مجلس هستند انتخاب شدند و آمدند اینجا نمایندگی بعدی را هیچکس نپرسید کی بوده؟ آقای عامری از نمایین انتخاب شده بودند و پس از اینکه رد شدند بجای ایشان حاج میرزا تقی خان آمد اینجا هیچکس هم نپرسید بعد از عامری کی بوده؟ چهار روز قبل راجع به امیر همایون و امین الاسلام اختلاف بود هیچ مجلس نپرسید که دیگری که رقیب امیر همایون است کی است؟ حالا ما خواسته باشیم يك سوابق

جدیدی برای اینکار ایجاد کنیم بعقیده بنده سزاوار نیست بنده به آقای بدرارادت دارم ولی قانون را بیش از آقای بدر دوست دارم اگر هم قانون را دوست نداشته باشم خودم را بیش از آقای بدر دوست دارم بالاخره این سوابق بکلی مقام نمایندگی را منزلزل میکند . يك نماینده که در حوزه انتخابیه در درجه دوم بوده ولی در مجلس برای اینکه خوبش دارد ، کس و کار دارد ، وزیر بوده ، پاچه بوده ، این باعث شود که اولی رد شود و دومی بیاید در مجلس این يك سابقه خیلی کثیفی است که استدعا میکنم آقایان همچو سوابقی در مشروطیت نگذارند دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده تصور میکنم یا قانون بایستی حکمفرما باشد یا سابقه بنده قانون انتخابات را در این موضوع ساکت می بینم و حتی بحضرتعالی هم مراجعه کردم فرمودید ساکت است بنده تصور میکنم که باید بسابقه رجوع شود اگر سابقه داشته مطابق آن سابقه رفتار شود چون خود بنده متأسفانه افتخار نمایندگی را درادوار سابقه نداشتم در حال عقیده ام این است که باید بسابقه رجوع شود و اگر سابقه ندارد آنهاهم با مجلس است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده نسبت برفیق محترم خودم آقای کاظمی کمال ارادت را دارم و راستی هم نسبت با آقای بدر علاقه ندارم ولی همانطور که آقای حائری زاده فرمودند علاقه به اساس مشروطیت و مجلس دارم کم کم می بینم يك جریان هائی پیدا میشود که بکلی اساس مشروطیت که عبارت از انتخاب وکیل باشد از بین میرود چرا . ؟ وکیل یعنی آن کسی که حق دارد وارد این محوطه بشود . وکیل کیست و باید چه مدارجی را طی کند . اولاً انجمن نظارت مرکزی باید تصدیق کند و دوسیه تشکیل بدهد و صورت مجلس داشته باشد که اعضاء

حق دارد رد کند
شیروانی - مجلس رد کرد شعبه تصویب کرد .
کازرونی - بله مجلس انتخاب مشیر معظم را رد کرد و البته باید تجدید انتخاب شود آیا مجلس انتخاب آقای بدر را رد کرده که محتاج به تجدید انتخاب باشد هرگز همچو چیزی نشده است . در هر صورت اگر اینطور سوابق را گذاشتید راستی اساس انتخابات منزلزل میشود بنده هم که آمدم در اینجا يك عرضی بکنم راجع به این قسمت است و دیگر عرضی ندارم .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده این موضوع را بقدری غیر قابل مذاکره میدانم که حتی اینجا هم نمیخواهم به آقایان زحمت بدهم مجلس شورای ملی مبتنی بر رأیت شعبه باید قضاوت کند رأیت شعبه بر طبق دلائل و اسناد و آرائی که مردم داده اند روی انتخاب آقای کاظمی بوده است . مجلس هم رد کرده است . این دیگر قابل ذکر نیست اصلاً در اینجا بنده تصور میکنم هر اعتبار نامه را که مجلس رد کند ما نخواهیم تجدید مذاکره در او بکنیم این از برای مجلس شورای ملی مضر است و در آئین تمام انتخابات را وقتی که مجلس شورای ملی رد کرده است میتوانیم مطابق يك مباحثیکه در دوسیه هست درش حرف بزنیم

کازرونی - اعتبار نامه داشته است

شیروانی - اجازه فرمائید ممکن است بنده اعتبار نامه را در کوچه پیدا کنم واسم را رویش بنویسم و بیاورم اینجا . اینکه ملاک نیست . انتخاب ملت ملاک است پس دوسیه یعنی چه ؟ رای مردم یعنی چه ؟ جریان انتخابات یعنی چه ؟ وزارت داخله صرفاً نوشته است دعوتی که از شما شده کان لم یکن است باز آقا آمدند در اینجا و نشستند اعتبار نامه یا هر چه که در دست هر که باشد بالاخره بنده سؤال میکنم که تجدید انتخاب چه وقت خواهد شد ؟ مطابق نص صریح قانون انتخابات چند موقع تجدید انتخاب میشود . وقتی يك وکیل میرد

وقتی يك وکیل را مجلس رد کند . وقتی يك وکیل بعد از اینکه اعتبار نامه بگیرد مستعفی شود . در این سه مورد تجدید انتخابات بعمل میآید پس مجلس شورای ملی در وقت شعبه را که به مبتنی بر نمایندگی يك شخص بوده است رد کرده است در اینصورت باید انتخابات تجدید شود آقای کازرونی : فردا شما زنده عیس و لید وکیل میشوید مجلس اعتبار نامه شمارا رد میکند آنوقت دومی باید بیاید در مجلس ؟ این سابقه را در مجلس نگذارید

رئیس - آقای امینی

امینی - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - اگر آقایان فراموش نکرده باشند در خارج از بنده سؤالان میشود و بنده هم نمیدانم چطور جواب بدهم . حالا اگر عقیده آن این است که باید ترتیب صحیحی مذاکره شود ممکن است يك عبارتی . فرموده ولی پیشنهاد نمائید که بطور موافق و مخالف در آن صحبت شود

مدیرس - جزء دستور جلسه آتی نگذارید

رئیس - بعد از نطق آقای افشار جزء دستور میشود آقای افشار

افشار - انجمن مرکزی سیرجان در درجه اول آقای بدر در درجه دوم آقای کاظمی را وکیل دانسته بود حالا به چه مناسبت بدر در درجه اول و کاظمی در درجه دوم وکیل شده بودند اینها يك مسائلی بود در دوسیه یعنی قضاوتی که انجمن مرکزی سیرجان در قسمت اقطع و افشار کرده بود این قضاوت بهیچوجه تطبیق با روح و مفهوم قانون نمیشد و در حقیقت کاظمی در درجه اول وکیل بود بدر در درجه دوم بدلیل اینکه باستناد مواد ۳۶ و ۳۷ نظامنامه آمده بودند و يك عده از آراء کاظمی را زده بودند و بدر را در درجه اول وکیل کرده بودند شعبه قضاوت انجمن

شیروانی - بنده این موضوع را يك موضوعی نمیدانم که جزء دستور گذارده شود. اگر چنانچه جلسه آتی این موضوع را قابل مذاکره دانستند همانطور که مقام ریاست فرمودند پیشنهاد میکنند و در روی آن پیشنهاد صحبت میشود و الا این يك موضوعی نیست که جزء دستور شود.

رئیس - خوب. اگر مذاکرانی بشود لابد يك ترتیبی میکنیم که بترتیب موافق و مخالف صحبت شود. آقای وزیر داخله

وزیر داخله - بنده استدعا میکنم بعد از لایحه اعتبار پنج میلیون مقرر فرمایند آن لایحه اضافات وزارت داخله که راپرتش هم بین آقایان توزیع شده جزء دستور شود
رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)
(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

را از نقطه نظر قانون رد کرد و مطابق همان جریبات اصلی انتخابات در درجه اول کاظمی را وکیل کرد و راپرت داد وقتی راپرت شعبه رد شد در واقع منتخب سیرجان از مجلس رد شده بنا بر این باید تجدید انتخابات بشود و همانطوری که آقای حائری زاده فرمودند موضوع انتخابات ما تو هم همین حال را داشت وقتی که امیر همایون رد شد متعاقب امیر همایون کسی نیامد اینجا و ایشان هم مأیوس شدند و البته بیستی انتخابات تجدید شود

رئیس - چون مقداری از ظهر گذشته است اگر تصویب فرمایند اینموضوع بماند برای جلسه روز سه شنبه که در این موضوع مذاکره شود بعد راجع بان لایحه قبلی

شیروانی - بنده راجع بدستور عرض دارم

رئیس - بفرمائید